

## اهمیت احکام فقهی در تبیین پدیده‌های تاریخی

### دو عریضه و حکم شرعی از دوره قاجاریه در باب بیع خیاری

امید رضائی\*

با تلاش وافر، مواد تاریخی بیشتری را گردآوری می‌نماید. در ادامه خطوط زشت و زیبا و کلمات مفهوم و نامفهوم را استنساخ می‌کند و پس از اعتبارسنجی در نهایت در یک چارچوب نسبتاً مشخص نگارش را می‌آغازد. ولی در همان سطر اول یا صفحات نخستین است که از تبیین پدیده تاریخی مورد نظر در سطح مطالعه جزءنگرانه باز می‌ماند و حتی ممکن است بلغزد. نمی‌تواند بین مدارک و حتی یادداشت‌های نسبتی برقرار کند.

گاهی اوقات این درماندگی‌ها ناشی از این است که محققان در تبیین پدیده تاریخی مورد نظر بیش از آن که با مباحث و دیدگاه‌های فقهی آن دوره آشنا باشند، به آراء و نظریه‌های مدرن دل‌بسته‌اند. اما چطور می‌شود با مباحث و دیدگاه‌های فقهی آشنا شد؟

علاوه بر ده‌ها رساله فقهی، مردم شهری و روستایی هر روز در خانه علما بر محضر ایشان حاضر می‌شده‌اند و باب مرادده بین آنها گشوده بوده است. هزاران عریضه و حکم شرعی که امروزه در کتابچه‌های ثبت اسناد شرعی موجود است — ده‌ها برابر بیش از آنچه در آرشیوها و پرونده‌های مختلف حقوقی و قضائی ثبت و ضبط است — حاوی دیدگاه‌های متنوعی است که می‌توان با استناد به آنها دیدگاه هر عالمی را دریافت.

هر عریضه البته خود در حکم یک یا چند پرسش دقیق یا مبهم است که هدف از طرح آن دستیابی به پاسخی مشخص

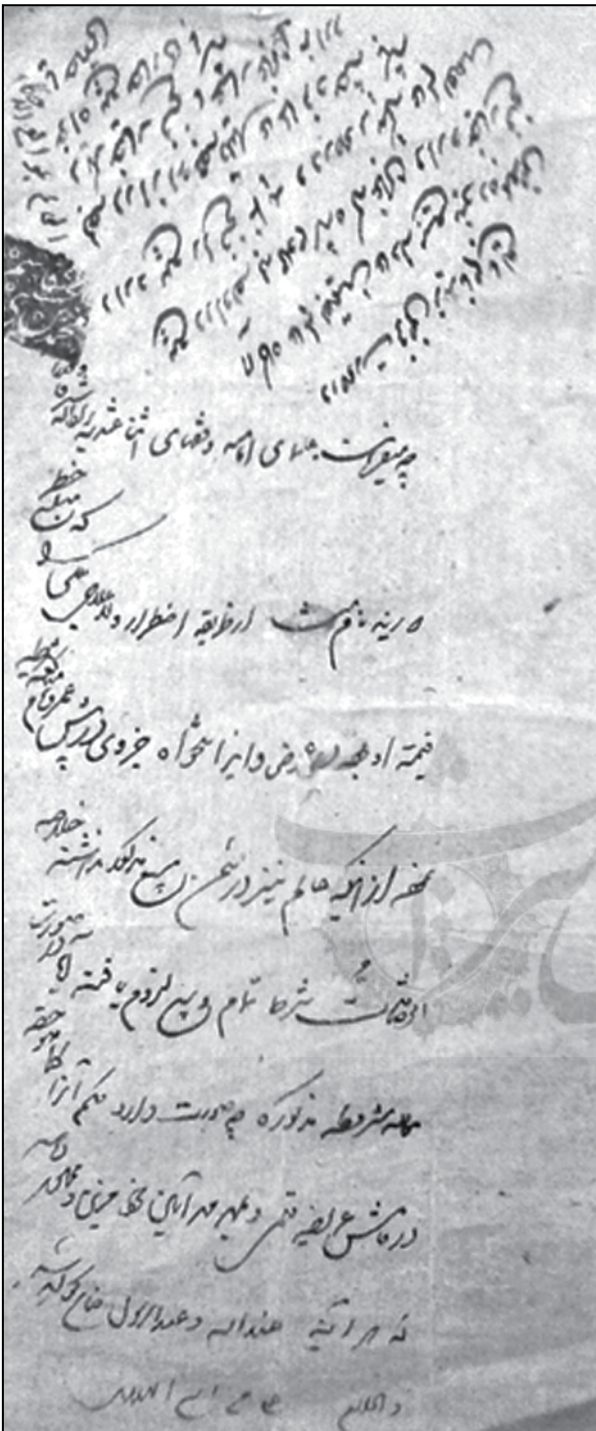
با مرور کتابچه‌های ثبت اسناد از قبیل کتابچه محکمه آقا سید محمدصادق طباطبائی (سنگلجی)<sup>۱</sup> یا در محضر شیخ فضل الله نوری؛ اسناد حقوقی عصر ناصری<sup>۲</sup> متوجه می‌شویم که بخش قابل توجهی از معاملات و مبادلات در دوره قاجاریه از طریق عقد «بیع شرطی» و به عبارتی «بیع خیاری» صورت می‌گرفته است. بیع شرط عبارت است از معامله‌ای که در آن برای فروشنده در مدتی معین در صورت بازپس دادن بهای کالا به خریدار، حق خیار شرط می‌گردد؛ مانند آن که فروشنده خانه هزار تومانی را به دویست تومان بفروشد و با خریدار توافق کند چنانچه ظرف یک سال پس از معامله، بهای خانه را به وی برگرداند حق فسخ معامله را داشته باشد. در این عقد طرفین معامله (بیاع و مشتری) شرط می‌کنند اگر فروشنده سر مدّت، بهای کالا را برنگرداند، بیع، لازم و حق فسخ وی ساقط می‌شود. البته قاعدتاً مورخ پژوهشگر برای آگاهی یافتن از ابعاد پیچیده این مباحث عموماً به کتب و رسالات فقهی فارسی موسوم به «صیغ العقود» مراجعه می‌کند.

اما حتی مورخان دانشگاهی نیز اغلب در روند تبیین یک پدیده تاریخی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) از طرح پرسش یا سلسله پرسش‌های منطقی درمی‌مانند. اگر بخواهیم از مراحل نضج گرفتن یک پژوهش شروع کنیم، محقق پس از مطالعه و دقت در منابع تاریخی و مقالات منتشر شده به کشف یک پرسش اصلی به عنوان موضوع تحقیق دست می‌یابد، سپس

\* عضو گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱. فاکسیمیل، با مقدمه امید رضائی، تهران: نشر آبی، ۱۳۸۷.

۲. به کوشش منصوره اتحادیه و سعید روحی، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۵.



تصویر سند اول

یا حتی مبهم است. این پرسش‌ها چه در نهایت وضوح طرح شده باشند و چه در نهایت ابهام، امروز نه تنها مستندات بی‌بدیل برای مورخان هستند بلکه پرسش‌هایی گاه اصلی برای آن دسته از پژوهشگران‌اند که با فقه مأنوس نیستند. به هر حال هر چند زبان عریضه‌ها و احکام برای طلاب امروز هم گاه نامأنوس است، اما مطالعه این اسناد در بسامان کردن ذهن‌های بی‌پرسش و تبیین پدیده‌های تاریخی، بی‌شک، نقشی کیمیاگرگونه خواهد داشت. البته لازم است محقق بدین موضوع هم اهتمام داشته باشد که عریضه‌نویس‌ها (سائلان شرعی) و حکام شرع سهواً بر نوشته خود تاریخ می‌گذارده‌اند. به طوری که می‌توان با احتیاط گفت آنها آگاهانه پرسش و پاسخی فرازمانی تولید می‌کرده‌اند. ازین رو در ادامه صورت بازنوشته دو عریضه و حکم شرعی از بلوک خمسه (زنجان) در باب «بیع شرطی» را که با دو پیش فرض مجزا یکی با موضوع «قیمت غیر واقعی» و دیگری با موضوع «درک» است منتشر می‌کنم.

این دو سند در آلبوم شماره «۸۱/۵۴۴ خ» در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی محفوظ‌اند. هر دو روی کاغذ نیم‌ورقی نوشته شده‌اند. از نظر جنس کاغذ با هم فرق دارند اما هر دو سند بنا به عرف عریضه و حکم شرعی نویسی تاریخ ندارند. پرسشگران (صاحبان عریض / سائلان شرعی) نیز خود، طرف دعوی، مال و محل مورد نظر را معرفی نکرده‌اند. اما هر دو عالم یا فقیه همچنان که از آنها تقاضا شده است، بنا به قاعده مرسوم به خط خود حکم را در بالای (صدر) عریضه نوشته‌اند و مهر زده‌اند اما شهرت خود را ننوشته‌اند. نقش مهر یکی از آنها «محمد بن قاسم الحسینی» و نقش مهر دیگری «علی مع الحق» است. به هر حال شناسایی آنها در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نگردید. فقط با مرور چنددهه قباله از زنجان معلوم شد که «محمد بن قاسم الحسینی» برای تصدیق و تسجیل اسناد شرعی سال‌های ۱۲۴۰-۱۲۵۰ هـ.ق. مورد رجوع بوده است. مضافاً این که سال ساخت مهر ۱۲۳۲ هـ.ق. است. بنابراین عریضه و حکم شرعی او را می‌توان مربوط به دوره فتحعلی شاه قاجار دانست.

**سند اول:**

**[عریضه:]**

- ۱/ هو
- ۲/ چه میفرمایند علمای امامیه و فقهای اثنی عشریه زاد الله شرفاً و قدراً (کذا)
- ۳/ که زید نام است از طریقه اضطرار و لاعلاجی ملکی را که مبلغ خطیر<sup>۳</sup>
- ۴/ قیمت او بوده در عوض و ازاء<sup>۴</sup> تنخواه جزوی در پیش عمرو نام مبیعه شرطیه
- ۵/ نموده از اینکه عالم نیز در ثمن بیع مذکور نداشته خلاصه
- ۶/ انقضاء مدت شرط تمام و مبیع لزوم یافته. آیا در صورت
- ۷/ معامله مشروطه مذکوره چه صورت دارد. حکم آن را کما هو حقه
- ۸/ در هامش عریضه قلمی و به مهر مهرآیین خود مزین و ممهور فرمایند
- ۹/ که هرآینه عند الله و عند الرسول ضایع نخواهد شد
- ۱۰/ والسلام علی من اتبع الهدی.

**[حکم شرعی آن:]**

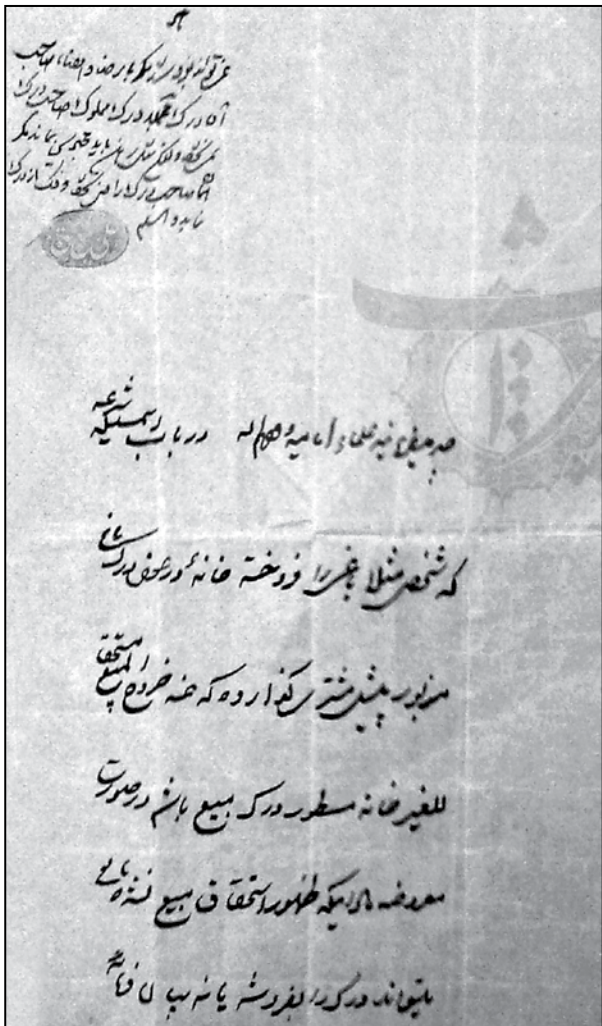
- ۱/ در صورت فرض زید نام بایع
- ۲/ هرگاه عالم به قیمت عادلانه مبیع نبوده به معرض
- ۳/ بیع در آورده بود معلوم شده که غبن وارد، خیار فسخ
- ۴/ دارد بیع را فسخ نماید و در صورتی که عالم به قیمت
- ۵/ بوده در ازاء وجه قلیل عالماً فروخته باشد
- ۶/ دیگر خیار فسخ به اعتبار غبن ندارد
- ۷/ خواه بیع خیاری باشد
- ۸/ یا حتمی.
- ۹/ العالم بمواقع الاحکام. [سجع مهر چهارگوش به خط نستعلیق:] «محمد بن قاسم الحسینی»

**سند دوم:**

**[عریضه:]**

- ۱/ هو
- ۲/ چه میفرمایند علمای امامیه — وفقهم الله — در باب این مسئله شرعیه
- ۳/ که شخصی مثلاً باغی را فروخته خانه‌ای در عوض درک باغ

- ۴/ مزبور پیش مشتری گذارده که عند خروج المبیع مستحقاً
  - ۵/ للغير خانه مسطور درک مبیع باشد در صورت
  - ۶/ معروضه مادامی که ظهور استحقاق مبیع نشده بایع
  - ۷/ میتواند درک را بفروشد یا نه؟ بیان فرمایید.
- [حکم شرعی آن:]**
- ۱/ نمی تواند بفروشد مگر با رضا و امضاء صاحب
  - ۲/ آن درک. مجملاً درک، مملوک صاحب درک
  - ۳/ نمی شود و لیکن مثل رهن باید محبوس بماند مگر
  - ۴/ همان صاحب درک راضی شود و فک از درک
  - ۵/ نماید والسلام. [سجع مهر بیضی شکل به خط نستعلیق:] «علی مع الحق»



تصویر سند دوم